

■ مقدمه

یکی از مهمترین محورهای تاریخ ایران تلاقی دو نظام اقطاع داری و دیوانسالاری است که هر یک بر بنیادهای ویژه و قوانین خاص خود، مظہر و نمادی از شیوه تولید بوده‌اند. با قدرت یافتن هر یک از دو نظام و یا با قرار گرفتن در جوار یکدیگر در فرایند تاریخ ایران، موجب تغییر و تحولات عمیقی در حیات اقتصادی و اجتماعی این سرزمین گشته‌اند.

برای این که ویژگیهای این دو نظام مشخص گردد، این نوشتار در سه بخش تنظیم گردیده است:

بخش اول: بررسی تکوین اقطاع داری.

بخش دوم: بررسی تکوین دیوان سالاری.

بخش سوم: برخورد دو نظام و نتایج حاصل از آن.

■ بخش اول - بررسی تکوین اقطاع داری  
اصولاً روش اعطای اقطاع<sup>\*</sup> در ایران باستان و همین طور در دوران اسلامی نیز وجود داشته است. چنانکه ابویوسف، صاحب کتاب الخراج می‌نویسد، در دوره اسلامی رسم اقطاع، از حیات پیامبر اکرم(ص) و یا به قولی از عهد خلفاً سابقه داشته است.<sup>(۱)</sup>

\* واژه اقطاع در ابتدا عنوان واگذاری داشت. پس مجازاً به معنی ملک و زمین واگذاری اطلاق شده است.

# نقش اقطاع داری و دیوانسالاری

در پویه تاریخ ایران

عزت‌الله‌نوذری

فرماندهان، اراضی کشاورزی را به نام اقطاعات تصرف کردند و خراج آن را هم نمی پرداختند.<sup>(۵)</sup> این تمایلات استقلال طلبانه امرای محلی و خاندانهای قدیمی و عدم اطاعت آنها از مرکز، باعث شد که دولت مرکزی نتواند حاکمیت تام و تمام خود را حفظ کند و مقصود خود را عملی نماید. چنانکه در خراسان، طاهریان امارت خویش را به‌نوعی سلطنت مستقل و موروشی تبدیل نمودند.<sup>(۶)</sup> یا در زمان سامانیان به علت این‌که آنان جهت جلوگیری از شورشها و قیامها در نقاط مختلف قلمروشان، متغذیان محلی را به حکومت می‌گماردند، پس از چندی خود علم استقلال برمی‌افراشتند.<sup>(۷)</sup>

ولایاتی چون خوارزم - چغانیان - ختلان - اسپیحاب رسمأ جزو قلمرو حکومت سامانی بودند ولی این حکام (اقطاعدار) با استقلال حکومت می‌رانندند.<sup>(۸)</sup>

\* اقطاع التملیکی: قطعه زمین مورد اقطاع بر سه قسم است: ۱- بایر و متروک ۲- دایر و آباد ۳- معادن.

○ اقطاع الاستقلال بر دو قسم است: ۱- عشري ۲- خراج اما ابن جماعه قائل بر نوع سوم اقطاع می‌باشد به تام اقطاع الارفاق، که شامل اعطای معادن، واگذاری راهها و بازارها می‌شد.

□ خالد برمک کسار وزراء را می‌کرد، اما او را وزیر نمی‌گفتند. در دل سفاح مترلتی عظیم گرفت تا حدی که روزی با خالد گفت راضی نشیدی تا مرا خدمتکار خود ساختی و یا مأمون فضل بن سهل را ذوالریاستین لقب داد از بهر آن که منصب سيف و قلم داشت. چون فضل وزیر شد، کار او ترقی گرفت.

هندشاه بن نخجوانی، تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران، چاپ سوم، صص ۱۰۱-۱۶۲. ابن اثیر، الكامل، ج ۹، ص ۲۳۱.

■ به تدریج که لشکریان مزدور ترک جانشین رعایا می‌شدند، مسئله پرداخت مزد آنان مشکل می‌گشت. نخست سربازان و اسیران چه به عنوان تضمین یا ←

در دوره اسلامی اراضی بایر و یا باتلاقها به کسانی که آنها را آباد می‌کردند، به عنوان ملک و به طریق موروشی داده می‌شد. این املاک را اقطاع التملیک<sup>\*</sup> می‌نامیدند. علاوه بر این، نوع دیگری از اقطاع نیز وجود داشت که به نام اقطاع الاستقلال<sup>۱</sup> می‌خوانند و در کشورهای فتح شده به سربازان و سرداران و خدمتگذاران خاص داده می‌شده است. منظور از این اقطاعات، تهیه درآمد برای برگزیدگان جامعه اسلامی و در عین حال حفظ حاکمیت قوم فاتح بر ملل مغلوب به‌وسیله این طبقه بوده است.<sup>(۲)</sup>

از قرن سوم به بعد، اراضی اقطاعی نسبت به اراضی دیوانی گسترش بیشتری یافت و باعث گردید که نوعی دگرگونی در ترکیب طبقه حاکمه رخ دهد؛ بدین ترتیب که مسلمانان عرب مشاغل عالیه دولت را از دست دادند و در مقابل، نمایندگان اشراف ایرانی و مالکان اراضی (دهقانان) در کنار اعراب مشاغل نظامی و اداری را اشغال نمودند.<sup>(۳)</sup>

برامکه ایرانی نسب در دولت آل عباس از آن چنان نفوذی برخوردار بودند که وزرا و والیان و دبیران دیوانی و مأموران عالی رتبه از میان آنان برگزیده می‌شدند؛ همچنان که خاندان سهل در عهد مأمون نقش مؤثری در اداره امور داشتند<sup>۴</sup> در زمان آل بویه، واگذاری اقطاع هرچه بیشتر گسترش پیدا کرد و اقطاع در این دوره عبارت بود از این‌که پادشاه حق دریافت محصول اضافی بدون احراز مالکیت در هر زمینی را به کارگزاران مأموران خود واگذار کند.<sup>(۵)</sup>

با افزایش قدرت سیاسی و نظامی، این اقطاع داران قدرت مرکزی خلافت را بشدت متزلزل نموده و با تجزیه دولت عباسی و هرج و مرجی که در امر وصول خراج پیش آمد، بسیاری از امرا و

تمایل به زندگی شهرنشینی را نوعی محدودیت به شمار می‌آورند. به عبارت دیگر، این روش، مخالف شیوه زندگی سنتی و روابط خویشاوندی آنان بود.<sup>(۱)</sup>

بنابراین، جای تعجب نیست که در دوره سلجوقیان<sup>\*</sup> نظام اقطاع‌داری رشد فزاینده یابد. چادرنشینان، پایگاه اجتماعی مستحکم سلاجقه محسوب می‌شند و هر قدر که حکومت سلاجقه نیرومندتر و مرکزیت قوام بیشتر می‌یافتد، تکیه‌گاه سلاجقه از قبایل چادر نشین به نظامیان مستقل منتقل می‌شد.

اقطاع‌داران بخصوص قبایل ترک، به هر نحو ممکن، از دادن خراج و مالیات سرباز می‌زدند. و هر قدر که تولید اقطاعی رواج می‌یافتد، جور و

وجود غلامان ترک در سپاه سامانی، همچون ایلکین که بیش از ۵۰۰ دهکده را به رسم اقطاع در تصرف داشت و همچنین صاحب یک میلیون رأس گوسفند<sup>(۲)</sup> بود نمونه بارز این روند است. بعدها که سبکتکین در سال ۳۶۶ هجری سلسله غزنویان را بنیاد نهاد، غزنویان جای سامانیان را گرفتند. اینان نیز در قلمرو خود کم و بیش روش سامانیان را تعقیب نمودند.<sup>(۳)</sup>

اما به طور کلی این تحول نوین، یعنی نظام اقطاع‌داری را می‌توان در این دوران معلول عوامل زیر دانست:

۱ - همان طور که گفته شد، جانشین شدن لشکریان ترک مزدور به جای افراد بومی از عهد خلفای عباسی تا دوره سامانیان و مسئله پرداخت مزد آنان، موجب گشت تا به سربازان و امیران به عنوان تضمین، قسمتی از مال‌الاجاره زمین را بپردازند و سرانجام هنگام وصول مال‌الاجاره، بی‌نظمی روزافزون گشت؛ ولذا به جای مال‌الاجاره، املاک و اراضی را به سپاهیان می‌دادند.

۲ - در بسیاری موارد، سلاطین برای جلب پشتیبانی و حمایت متنفذین و حکام محلی، املاک پهناوری را به عنوان اقطاع به آنها می‌دادند.<sup>(۴)</sup>

۳ - در این دوران پر هرج و مرج و آشوب و هجوم اقوام مختلف، اغلب حکومتها مرکزی به علت عدم توانایی در اداره کامل قلمرو خود، اختیار اداره نظامی نواحی را به دست متنفذین محلی می‌دادند. در بسیاری از موارد، این اعطای اختیار نظامی و اداری همراه با اقطاع از مناطق زیر فرمان آنها بود.

اعراب امور مربوط به کشاورزی را به موالي واگذار می‌کردند، و ترکان غز و سلجوق و مغول

→ پرداخت مزد، و چه به عنوان قسمتی از مزد مال‌الاجاره زمین را می‌دادند و سرانجام هنگام که وصول مال‌الاجاره توان با بی‌نظمی روزافزون شد، خود املاک و اراضی را به سپاهیان دادند و علاوه بر زمین‌هایی که سپاهیان واگذار می‌کردند و قطع نظر از همین مطلب سرداران ترک املاک وسیعی را به عنوان مقطع، و زمین‌های پهناور را به عنوان اجاره‌دار در آمدهای مالیاتی تصرف می‌کردند و غالباً هم مبالغی را که باید به خزانه پردازند، نمی‌پرداختند.

مالک و زارع در ایران، آ.-ک.س.-لمپتون، ترجمه منوچهر امیری، ص ۱۱۶، تهران ۱۳۴۵.

\* عصر سلاجقه راکه در ایران از سال ۴۲۹ ه.ق تا اوائل قرن ۸ هجری به طول انجامید، می‌توان به دو دوره تقسیم نمود: دوره نخست از سال ۴۲۵ ه.ق تا مقارن سنجر ۵۵۱ که پایان دوره سلاجقه بزرگ است و از خصوصیات این دوره و بعزمیت شاخته شدن مالکیت بالفعل در مقابل مالکیت حقیقی است. مرکزیت در این دوره نیرومند بود. اقطاعات گرچه داده می‌شد، ولی دولت (دیوان) نظارت دقیقی بر آن داشت (دیوان شاهی) اغلب اقطاعات لشکری و دیوانی از دیوان شاهی داده می‌شد. دوره دوم از سال ۵۵۲ تا اوائل قرن هشتم ه.ق می‌باشد. در این دوره، اقطاعات رواج کامل یافت و واحدهای سیاسی و اقتصادی مستقلی در ایران پدید آمد.

سیاست دولت را از طریق دیوان وزیر یا دیوان سلطان که مرکز اجرائی دولت بود و ریاست آن را خود بر عهده داشت، هدایت می‌کرد. دیوانها عبارت بودند از:

۱ - اقطاع دیوانی: در این اقطاع، امیران و سران لشکر هنگامی که سرگرم جنگ نبودند، از عایدی اراضی (اقطاعات) خود امرار معاش می‌نمودند. ظاهراً در این مورد اداره املاک، مستقیم انجام می‌گرفت. مقیاس و اندازه چنین اقطاعاتی قابل ملاحظه بود. این اقطاعات به ارت به فرزندان منتقل می‌شد. اغلب چنین اقطاعاتی به زور به تصرف مقطع درمی‌آمد. این اقطاعات دیوانی گرچه در مواردی با اقطاعات لشکری فرقی نداشت، ولی گاه تفاوت‌هایی با آنها پیدا می‌کرد.

۲ - اقطاع لشکری: قشون توسط عایدی آن امرار معاش می‌کرد. اندازه چنین اقطاعاتی کوچکتر از اقطاعات دیوانی بوده و به ارت به فرزندان منتقل نمی‌شد و ظاهراً مقطوعان نیز به زور آن را تصرف نموده بودند، بلکه از دیوان آن را دریافت کرده بودند. این اقطاعات، تفاوت‌هایی با اقطاعات شخصی داشت.

۳ - اقطاع شخصی: چنین اقطاعاتی به ارت به فرزندان منتقل می‌شد و گیرنده آن، تعهدی در مقابل دیوان نداشت و ظاهراً از خراج هم معاف بود، تفاوت‌هایی بین اقطاع شخصی با املاک شخصی در دوره سلاجقه دیده می‌شود.

۴ - املاک شخصی: وضع املاک شخصی و رابطه زارع با مالک در آن، به درستی روشن نیست.

۵ - املاک سلطانی: املاک سلطانی به سلاطین سلجوکی و خویشاوندان آنان تعلق داشت. این املاک در مناطق بسیار آباد و پر برکت مملکت، از خراسان گرفته تا آذربایجان و عراق عجم پراکنده بود.<sup>(۱۴)</sup>

ستم مقطوعان بر رعایا بیشتر می‌شد. این کار به جایی رسید که بنا به نوشته سیاستنامه دستوری صادر شد که:

«مقطوعانی که اقطاع دارند، باید که بدانند ایشان را بر رعایا جز آن فرمان نیست که مال حق بستانند به وجه نیک. چون آن بستندند، رعایا تن و مال و فرزندان و اسباب و ضیاع از ایشان را از آن منع نکنند. هر مقطع که جز این کند، دستش کوتاه کند، و اقطاع او بازستاند و با او عتاب فرمایند تا دیگران عبرت گیرند. و در احوال ایشان باید دانست که ملک رعیت، همه سلطان راست و مقطوعان و والیان چون شحنه‌اند بر سرایشان تا با رعیت همچنان باشد که پادشاه با دیگر رعایا این باشد از عقوبت و عذاب آخرت.»<sup>(۱۲)</sup>

این اثیر مورد دیگر را ذکر می‌کند که دو مرد از اهالی عراق سفلی در سال ۹۲۵ق/۱۴۸۵م، پیش سلطان بنالیدند که مقطع آنان، خمار تکین شحنة بغداد، هزار و شصدهزار از آنان مصادره کرده است. ملکشاه خمار تکین را از اقطاعش برکنار ساخت و پول دادخواهان را به ایشان بازگرداند.

این کشمکش مابین نظام دیوانسالاری و اقطاعداری تا وقتی سلاجقه بزرگ بر سر کار بودند، وجود داشت. اما با آغاز دوره اتابکان، اقطاعات رواج کامل یافت و سیاست‌های مرکز دولتی از میان رفت.<sup>(۱۳)</sup>

واحدهای سیاسی و اقتصادی مستقل اتابکی در ایران پدید آمدند که البته پس از مرگ ملکشاه اهدا و واگذاری اقطاع به مالکهای جوان معمول شد که در این صورت، این اقطاعات توسط اتابک ملک مزبور اداره می‌گشت. البته روش اعطای اقطاعات به یک نحو نبود. در دوره سلاجقه، انواع و اقسام اقطاعات، یعنی روشهای بهره‌برداری از زمین در ایران وجود داشته است. نظام الملک

تیولداری بزرگ، انگیزه‌ای برای استقلال سیاسی شد. در دوره‌ای که روابط تقریباً ناپایدار بین ایالات مختلف دولت ضعیف می‌شد و یا رو به زوال می‌رفت، تمایلات گریز از مرکز نیز شدت می‌یافتد و شورشهای مختلف در این یا آن ایالات برای دولت تازه بعدی، یعنی صفویان، در پایان قرن هفدهم تا ابتدای قرن هیجدهم دیگر امری عادی تلقی می‌شد.

دولت صفویان که بنیاد حکومتشان به‌دست قزلباشان<sup>\*</sup> شکل و تحکیم یافته بود، تا زمان شاه عباس اول در واقع حکومت قزلباشان نیز خوانده می‌شد. به همین دلیل، تیولداری در این دوره به اوج خود رسید. طوایف قزلباش در سراسر کشور پراکنده و دارای تیول و اراضی و املاک پهناوری بودند و خود را از دیگران برتر و اصیل‌تر می‌شمردند و از شاه در امور داخلی ایالت خویش فرمان نمی‌بردند. فقط در مواقع جنگ با تمام و یا قسمتی از سپاهیان مخصوص خود به یاری او می‌رفتند.<sup>(۱۷)</sup>

تا زمان شاه عباس اول، حکام ایالات و ولایات و شهرهای ایران همه از میان سران قزلباش انتخاب می‌شدند.<sup>(۱۸)</sup>

اما از زمان شاه عباس اول، اختیارات نامحدود آن‌ها از ایشان سلب شد و همگی را مطیع نمود و از انحصار قزلباشان خارج ساخت و کسانی را از غلامان مخصوص خویش یا از ایرانیان و طوایف لر و کرد و جفتای به القاب خان و سلطان با تمام امتیازات مخصوص قزلباش به‌جای ایشان منصب کرد و حکومت مرکزی را بر سراسر کشور

غلبه مغول، تأثیر عظیمی بر نظام اجتماعی و اقتصادی ایران نهاد و این بلیه توسعه فرهنگ و تمدن ایران را دچار وقفه ساخت. وضعیت کشاورزی و شهرنشینی را دستخوش انحطاط نمود و تغییراتی را در انواع مالکیتهای زمینداری به وجود آورد. بسیاری از زمینها به تصرف امیران مغول درآمد و بسیاری نیز به ملک دیوان تعلق یافت. در عصر رونق و پیشرفت، انواع مختلف مالکیت ارضی و در عین حال سلسله مراتب فئودالی به چشم می‌خورد؛ زیرا که اساس تقسیم اقطاع و سیورغال لشکری، دادن آن به امیران - تومان - هزاره - صده در سلسله مراتب بزرگان لشکری بوده است. (بخشنی ملک از طرف سلاطین همراه با مسئولیت‌های شبیه فئودالی رونق و تشدید یافته) اما بنیاد اقطاع در دوره ایلخانان در ایران شرایط ویژه و ممتازی می‌یابد. اراضی به اقطاع نظامی داده شد (به هر واحد نظامی اراضی اقطاعی واگذار می‌شد). اما از این زمان به بعد، نظام اقطاع به تیول تبدیل گشت و همچنان شکل دیگری از سرزمهنهای موروثی به دست خاندانهای بزرگ رسید.<sup>(۱۹)</sup>

به هر حال، در این دوران با کوشش رشیدالدین فضل الله، رفورم ارضی غازان خان تا حدی به سود دهقانان ستمدیده تمام شد و بازسازی بخش کشاورزی آغاز گشت که تا اندازه‌ای اوضاع نابسامان مردم ایران و اقتصاد کشور را بهبود بخشید.<sup>(۲۰)</sup>

از دوره ایلخانان تا روی کار آمدن صفویان اقطاع‌داری در کنار تیولداری و مستقل از مرکز، همچنان نقش مهمی داشت. این جریان نه فقط در توسعه هرچه بیشتر زمینداری فئودالی شخصی (ملک اربابی) بلکه در تقویت حاکمیت و استقلال تیولداران نیز منعکس می‌باشد. استقلال اقتصادی

\* طوایف قزلباش از نه قبیله روملو - شاملو - استاجلو - تکلو - ذوالقدر - افشار - قاجار و ارساق و صوفیه قراباغ تشکیل یافته بودند.

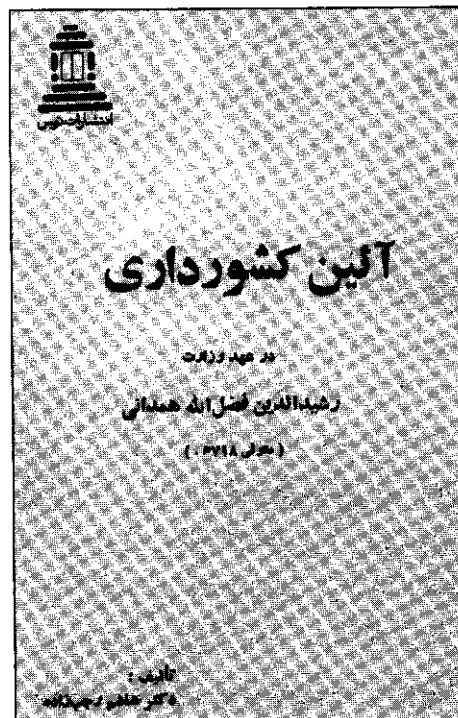
استقلال بودند. با بهره‌گیری از همان ایلات چادرنشینی سرکوب نمود. حتی ایلات قاجار و ترکمنها را که آشوب می‌نمودند، از بین برد.<sup>(۲۱)</sup> به هر حال، نادر در جهت تثبیت تمرکز قدرت نظام چادرنشینی اقطاعداران و تیولدارانی را که می‌رفتند در گوش و کنار قدرت را به دست گیرند، نه تنها سرکوب نمود بلکه با سیاست متفرق نمودن، از قدرت آنان کاست و لذا تضاد حاصله را از میان برد.<sup>(۲۲)</sup>

در زمان کریمخان، معیشت روستایی و شبانی به صورت سنتی درهم آمیخته بود و همواره امواج پیاپی مهاجمان صحرانشین (تیولدار و اقطاعدار) تلاش می‌نمودند که اساس جامعه کشاورزی شهری (دیوانی) را با کنفراسیون زندگی متحرک شبانی درهم شکنند و جابه‌جایی به وجود آورند. در هر صورت، اساس توانایی‌های ایلاتی -که بر اثر تلاش صفویان متحول شده بود- به وسیله نادر و کریمخان ادامه یافت. مأمور مستقیم اداره مراکز شهری پیش از آن که به وسیله خوانین طوایف صورت گیرد، از طریق مقامات انتصابی ایالات انجام می‌شد.<sup>(۲۳)</sup>

این رسم تا پایان حکومت قاجار همچنان ادامه داشت.

■ بخش دوم - بررسی و تکوین دیوانسالاری اصطلاح دیوان به طور کلی در موقع مختلف به حکومت مرکزی اطلاق شده و در این مفهوم به جای دیوان اعلان شسته که در آن، کارهای حکومتی جریان یافته و تشکیلات کشوری در مقابل تشکیلات لشکری و یا اقطاعداری قرار گرفته است؛ هرچند که گاه تمایز آن بسیار مشکل و پیچیده می‌باشد.<sup>(۲۴)</sup>

یک نظام دیوانسالاری مؤثر، متکی بر قدرت



سلط گرداند.<sup>(۱۹)</sup>

اما از اوآخر دوره شاه عباس اول، به دلیل ضعف حکومت مرکزی، اشکال دیوانسالاری و تیولداری به اوج خود رسید. حکام که خود به مثابة تیولداران بودند، در زمان پادشاهی شاه سلطان حسین، سالی یک بار مراسم (خلعتبری) انجام می‌دادند. حکام در این دوره، در حوزه خود اختیارات نامحدود داشتند و همچون شاه محلی رفتار می‌کردند.<sup>(۲۰)</sup>

با هرج و مرج ناشی از ورود افغانه در ایران، نادر سعی نمود با کوتاه نمودن دست افغانه و همچنین دشمنان خارجی و حکام تیولدار و اقطاعدار داخلی، تمرکز قدرت را مجدداً احیا نماید. در این راه، طوایف چادرنشین لر و کرد را در سال ۱۱۳۳ سرکوب کرد. در همان سال، ملک محمود سیستانی حاکم تون واقع در شمال خاوری ایران، طوایف بلوج و حاکم شیروان را -که مدعی

در اختیار داشتند. در عهد غزنویان، کارگزاران بزرگ دولت سامانی همچون ابوالحسن قریشی، ابووالقاسم کثیر سنتها و فنون اداری میان سامانیان و غزنویان را هرچه بیشتر قوت بخشیدند.<sup>(۲۵)</sup>

همچنین خاندان خواجه نظام الملک، خواجه رشیدالدین فضل الله، خواجه نصیرالدین طوسی از جمله دیوان‌سالاران حرفه‌ای بودند که نقش مؤثری را در این فرآیند ایفا نمودند.

در عهد غزنوی و سلجوقی، صرف نظر از شخص سلطان که در ره مملکتی قرار داشت، در رأس تشکیلات، خواجه بزرگ (معادل نخست وزیر) جای داشت. تشکیلات خواجه بزرگ، دیوان خواجه، یا دیوان وزارت نام داشته است. دیوان‌های دیگر عهد غزنوی که در کنار دیوان خواجه دایر بوده و محل و متصدی خاصی داشته و به منزله وزارت امروزی به شمار می‌رفته، عبارت بوده است از: دیوان استیفای، دیوان عرض، دیوان رسالت. بقیه دیوانها مانند دیوان برید با آن که دارای تشکیلات وسیع بود، مع‌هذا در ردیف دیوان قرار نداشت.<sup>(۲۶)</sup>

در عصر سلجوقیان، تشکیلات دیوان‌سالاری به پنج دیوان تقسیم می‌شده است:

۱ - دیوان اعلا (دیوان وزارت) که در رأس آن مستوفی قرار داشت و امور مالی و وصول وجوهات را به عهده داشت.

۲ - دیوان استیفا که همان شغل و عمل مستوفی است که رسیدگی به امور مالی و تهیه دفترهای مربوط به آن است.

۳ - دیوان طغرا که از نهادهای ساخته و پرداخته سلجوقیان بود (شامل دیوان انشا و رسائل) که به جای دیوان رسالت عهد غزنویان تشکیل یافته بود.

افراد و نهادهایی بود که در مقابل کل سیستم مسئولیت داشته‌اند. وزرا و سایر مأمورین عالی رتبه، اغلب از افراد دیوانهای مرکزی و یا ایالاتی انتخاب می‌شدند که با کارآموزی یا سنت خانوادگی به طبقات دیوان‌سالاری حرفه‌ای راه می‌یافتند و وزیر در رأس نظام دیوان‌سالاری قرار داشت. در این نظام، معمولاً سوء‌ظن، دسیسه و غیره امری عادی تلقی می‌گردید.

به نظر خواجه نظام الملک، گاه استعداد و شایستگی افراد هم می‌توانست در پیشرفت آنان در نظام دیوان‌سالاری عامل مؤثری محسوب شود. دیوان‌سالاری در دوره سامانیان -که از دوره خلفای بغداد رواج یافته بود- رشد بیشتر یافت؛ به‌طوری که در اطراف قصر شاهی، سراهایی برای دیوانها ساخته بودند. مانند:

۱ - دیوان وزیر  
۲ - دیوان مستوفی (خزانه‌داری)

۳ - دیوان رسائل

۴ - دیوان صاحب الشرطه

۵ - دیوان برید

۶ - دیوان شرف

۷ - دیوان املاک خالصه

۸ - دیوان محتسب

۹ - دیوان قضا

۱۰ - دیوان اوقاف

اما همواره دیوان سالاران حرفه‌ای در دستگاه حاکمان نقش مؤثری را در تمرکز قدرت ایفا می‌نمودند و به مثابة ستدی در مقابل نظام اقطاع‌داران ایستادگی می‌کردند. خاندانهای بلعی و عتبی، مدتها شغل وزارت را در دولت سامانیان در دست داشتند؛ و یا خاندانهای برمکیان، نوبختیان و خوافی که منصب وزارت را در بغداد

به نظر می‌رسد که الگوی دیوانی عهد ایلخانان را ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو صاحب شده باشند و در این دوره از دیوان تواچی - دیوان پروانچی، صحبت شده است و قانون نامه حسن بیگی که خاص اهالی ساکن و مستقر تهیه شده و اجرا می‌شد. این قوانین در دوران صفویه تا قرن شانزدهم رواج و اعتبار داشت.<sup>(۳۰)</sup>

در زمان صفویه، سازمان اداری (دیوانساری) به اوج پیشرفت و توسعه رسید، به‌طوری که نظام تیولداری و اقطاع، زیرنظر دیوان‌سالاران انجام می‌گرفت.<sup>(۳۱)</sup> که بنا به نوشته میتورسکی: عالیجاه وزیر اعظم، دیوان اعتماد‌الدوله ایران، عمدۀ‌ترین ارکان دولت و قاطبه امراء درگاه محلی و سرحدات ولایات محروسه، دادوستد کل مالیات «دیوانی» وجوهات انفادی خزانه عامره و غیر بیوتات از کل ممالک ایران، دارالسلطنه اصفهان بدون تعليقه و

امر عالیجاه معظم‌الیه، داد و ستد نمی‌شد.<sup>(۳۲)</sup>

به هر حال، سازمان دولتی ایران (دیوانساری) بر حفظ تعادل میان گروهها، بینان گذاری شده بود. دیوار جدایی، همواره باعث شده بود که از زمان عباس تا فتنه افغان در هیچ یک از شهرها کوچکترین نشانه‌ای از آشوب و شورش دیده نشود.<sup>(۳۳)</sup>

در زمان نادر دو نظام دیوان‌سالاری و اقطاع و تیولداری همواره در تضاد بودند تا این که نادر توانست دیوان‌سالاری را که از زمان صفویان به ارت رسید بود، پا بر جا نگاه دارد. او با ایجاد دودستگی در میان دیوانیان و حکام ولایات و شهر وندان باعث شد تا گروه مستخاصل که پیوسته از سوی حکام پشتیبانی می‌شد، جرأت تغییر این روش را نداشته باشند. این تضاد، در دوره کریمخان و قاجاریان دیوان‌سالاران و اقطاع‌داران همچنان وجود داشت.

۴ - دیوانِ اشراف که در رأس آن مُشرف قرار داشت. اما این دیوان، عامل مخفی دستگاه جاسوسی نبود، بلکه مأموری بود که با تشکیلات مالی پیوند داشت.

۵ - دیوان عرض: عارض یا فرمانده ارتش رأس دیوان عرض قرار داشت.

رؤسای هر یک از این دیوانها تشکیل یک سلسه مراتب دیوانی می‌دادند و مهم‌ترین مأموران تشکیلات کشوری به‌شمار می‌رفتند.<sup>(۲۷)</sup> دیوان برد و دیوانِ اشراف تا زمان ملکشاه وجود نداشته‌اند، اما در این دوره دیوان اقطاع و همچنین دیوان مصادره نیز ذکر گردیده است و در امپراتوری سنجار، دیوان خاص که سروکارش با اراضی خالصه بود به وجود آمد.

بر تولد اشپولر دیوانهای دوره مغولان را بشرح زیر معرفی می‌نماید:<sup>(۲۸)</sup>

۱ - صاحب دیوان وزیر ممالک

۲ - اشراف الممالک

۳ - الغ بتجی

۴ - مستوفی الممالک

۵ - دفترداری ممالک

۶ - قانون یا سامشی

۷ - مستمرچی ولایت

۸ - حکومت متصرفی

۹ - اکچیان - تمغاچیان

۱۰ - یارغو

از زمان حسین بایقرا دیوان اعلا بالاترین ارکان حکومتی به حساب می‌آمد. دیوان بزرگ امارت، تحت نظر دیوان بیگی قرار داشت که با مسائل نظامی سروکار داشت و دیوان مالی تحت نظر یک وزیر که بر امور کشوری ناظر بود، اداره می‌شد.<sup>(۲۹)</sup>

دولت موقتاً داده می‌شد.<sup>(۳۴)</sup> بنابر سیاستنامه، ترتیب پادشاهان قدیم آنچنان بوده است که: «اقطاع ندادندی و هرکس را بر اندازه، در سال ۴ بار مواجب از خزانه نقد بدادندی».<sup>(۳۵)</sup>

۴- گاهی افواج چادرنشین بر اثر خدمات‌های نظامی و شرکت در جنگها به نفع دیوان تقاضای جامگی و نان پاره و اقطاع می‌کردند. در این بین، آنچه که مهم بود و ارزش داشت، خود پاداش بود. حتی برای چادرنشینان - در صورت نگرفتن پاداش - فرقی نمی‌کرد که جانب مخالف را بگیرند و از جانبداری دیوان دست بردارند.

بنابر مأخذ دوره سلاجقه، در جنگ ملکشاه با قاورد - که عمش بود - پس از این که قاورد شکست خورد، سران چادرنشین لشکری تقاضای اقطاع و اموال نمودند و حتی در حضور خواجه نظام الملک سخنان زشت بر زبان آوردند مبنی بر این که اگر خواسته‌های آنان برآورده نشود، جانب قاورد را خواهند گرفت و به سوی او خواهند رفت.<sup>(۳۶)</sup>

سرانجام باید گفت که نظام اقطاع با نظام دیوان مرتب در برخورد بود و آسیب این برخورد، در وهله نخست به مالکان کوچک می‌رسید. هنگام پیروزی دیوان و برقراری خراج، مالکیت اشرافی کوچک رشد می‌کرد و گاهی به آنان هم رحم نمی‌شد. بهر حال، قدرت نظام اقطاع‌داری ضربات مهلکی بر پیکر مالکان کوچک، به خصوص دهقانان، وارد می‌آورد.

■ بخش سوم برخورد دو نظام دیوان‌سالاری و اقطاع‌داری و نتایج حاصل از آن رابطه مقطعان با دستگاه دولتی و رعایا در زمانهای مختلف، صورتهای متفاوتی داشته است که آنها به قرار زیر است:

۱- در دوره‌ای که تمرکز در کشور وجود داشت، اقطاع‌دار مبلغ معین و مقرر درآمد اراضی را به خزانه می‌پرداخت و حقوق از خزانه می‌گرفت و عوارض اضافی را که از نظر فلاحت صورت قانونی نداشت، به نفع خود از روستائیان اخذ می‌کرد.

۲- در دوره‌ای که عدم تمرکز در مملکت دیده می‌شد، اقطاع‌داری در تمام نواحی کشور به خصوص در املاک جز، مبلغ معینی از درآمد اراضی را به خزانه می‌پرداخت ولی از خزانه حقوق نمی‌گرفت و قسمتی از محصول اضافی را به نفع خود قانوناً برداشت می‌کرد. زیرا این وجه و مبلغ معین مالیاتی بر مقاطعه او بود و اقطاع‌دار، در حوزه مأموریت خود صاحب اختیار و حکمران مستقلی محسوب می‌شد و مانند سلطان با مردم رفتار می‌کرد. دیوان‌ها با اقطاع‌داران در دوره‌های مختلف روابط برخاسته از شرایط آن دوره را داشتند. مثلاً در دوره اول سلاجقه، تعهد بین مقطع و دیوان بیشتر مالی (پول محصول) بود. در دوره‌های دوم بر اثر پیروزی نظامیان تغییر یافت.

۳- در بعضی از مواقع، قسمتی از درآمد اضافی اراضی یا همه آن، به جای حقوق به کارداران

## ● یادداشتها

۳- فو dalleism در ایران، فرهاد نعمانی، ج ۱، ص ۲۸۷.  
۴- مکویه، تجارب الامم، ج ۵ و ۶، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.  
چاپ مصر ۱۳۳۴ قمری.

۱- الخراج، ابویوسف، ص ۹۰.  
۲- تاریخ اقتصادی اجتماعی ایران از آغاز تا صفویه، عدنان مزارعی، ص ۲۴۰.

- ۱۹- زندگانی شاه عباس، به نقل از تاریخ خلد برین، ج ۱، ص ۱۷۲.
- ۲۰- سفرنامه دو سوسو، علل سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه حسین شایان، ص ۴۵. مقایسه شود با سفرنامه کروسینسکی، به اهتمام دنبیلی، مریم میراحمدی.
- ۲۱- نادرشاه، لاکهارت، ترجمه مشق همدانی، صص ۱۵ و ۱۶.
- ۲۲- سفرنامه عصر نادرشاه، ران اوتر، ترجمه علی اقبال، ص ۱۲۷.
- ۲۳- کریم خان زند، جان پری، ترجمه علی محمد کسانی، صص ۲۰-۲۱.
- ۲۴- دیوانسالاری در عهد سلجوقيان، کا. لا. کلوتزر، ترجمه یعقوب آزنده، ص ۶۵.
- ۲۵- تاریخ بخارا، ترشچی، ترجمه محمد بن نصر القبادی، به تصحیح مدرس رضوی، ص ۱۰۹. تهران ۱۳۶۲.
- ۲۶- تاریخ بیهقی به تصحیح دکتر محمد فیاض، مشهد ۱۳۵۰، ص ۲۴۵.
- ۲۷- دیوانسالاری در عهد سلجوقيان، ص ۹۸.
- ۲۸- تاریخ مغول در ایران، بر تولد اشپولر، ترجمه محمد میرآفتاب، ص ۲۹۶.
- ۲۹- آئین کشورداری در عهد رشید الدین فضل الله، ص ۱۸۳.
- ۳۰- ظرف نامه، نظام الدین شامي، با مقدمه و کوشش احمد پناهی سمنانی، ج ۲، ص ۱۳۰، عالم آرای امينی، ص ۱۱۷.
- ۳۱- مقایسه شود با سفرنامه و نیزیان در ایران در زمان اووزون حسن، جوزف باربارو و کنتارسین، ترجمه منوچهر امیری.
- ۳۲- تذكرة الملوک، ص ۱۵-۱۴.
- ۳۳- سفرنامه کروسینسکی، ص ۵۸.
- ۳۴- نظامهای بهرمبرداری از زمین، خسرو خسروی.
- ۳۵- سیاست نامه، بااهتمام عبدالرحیم خلخالی، صص ۷۱-۷۲.
- ۳۶- همان مأخذ.
- ۵- تاریخ ایران، نویسندهان روس، ترجمه کریم کشاورز، ص ۳۰۹.
- ۶- آئین کشورداری در عهد رشید الدین فضل الله، هاشم رجبزاده، صص ۳۰۹-۳۱۰. تهران ۱۳۵۷.
- ۷- ترجمه تاریخ یمینی، ابواشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، به اهتمام دکتر جعفر شعار، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۷، ص ۲۴۴.
- ۸- مجمع الانساب، محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای، به تصحیح میر هاشم محدث، ص ۲۹، چاپ اول، تهران ۱۲۶۷.
- ۹- ترجمه تاریخ یمینی، صص ۱۸ و ۲۶.
- ۱۰- مالک و زارع، ص ۱۲۰.
- ۱۱- بخارا دستاورد قرون وسطی، ریچارد ن. فرای، ترجمه محمود محمودی، ص ۷۶. غالباً کسی که اقطاع به وی تخصیص یافته بود، خود در آن ملک زندگی نمی‌کرد، بلکه نماینده‌ای از جانب خویش می‌فرستاد تا درآمد ملک را زرعایا و کشاورزان بگیرد.
- ۱۲- سیر الملوك، (سیاست نامه)، نظام الملک، به اهتمام هیوپرت دارک، ص ۴۳. تهران، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۱۳- الکامل، ابن اثیر، ج ۱۰، ص ۴۳.
- ۱۴- تاریخ ایران کمبریج، ج ۱-۲. بویل، ترجمه حسن انوشه، ص ۵۹.
- ۱۵- جامع التواریخ، رشید الدین فضل الله، نسخه استانبول، صص ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۲۹ و ۶۸۲.
- ۱۶- کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ای - پ - پetrovský، ترجمه کریم کشاورز، ج اول، صص ۹۲-۹۶. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۲؛ نیز: جامع التواریخ، ج ۲، ص ۱۰۳۴.
- ۱۷- زندگانی شاه عباس، ناصرالله فلسفی، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۷۳.
- ۱۸- تذكرة الملوک، مینورسکی، به تصحیح دیر سیاقی، ص ۲۵.